

مرثیه‌ای برای پایتختی که ورزشگاه ندارد

دربی در به در

اراک و نقش جهان اصفهان این یعنی تقلیل دادن شأن دربی پایتخت به یک بازی آواره و در به در.

آر یا طاری

هنوز سوت آغاز هفته دوم لیگ بیست‌وششم به صدا در نیامده، هنوز هیجان مستطیل سبیز به رگ‌های جامعه تزریق نشده و هنوز جوهر قرار دادهای نجومی و میلیاردری ستاره‌ها روی کاغذ خشک نشده است که فوتبال ایران بار دیگر با یک واقعیت تلخ، عریان و خجالت‌آور روبه‌رو می‌شود؛ بزرگ‌ترین بازی تقویم فوتبال ایران، خانه ندارد. دربی بزرگ پایتخت؛ مسابقه‌ای که روزگاری نه‌چندان دور، لرزه بر اندام آسیا می‌انداخت و نماد شکوه و حرارت فوتبال باشگاهی در خاور میانه بود، حالا شبیه به یک مسافر خسته و طردشده، چمدان به‌دست در کوچه‌پس‌کوچه‌های شهرهای مختلف سرگردان است. آیا این کل طنز سیاه نیست که دو غول بزرگ فوتبال ایران، استقلال و پرسپولیس، با آن همه دبدبه و کیکبه، برای پیدا کردن صد متر چمن استاندارد باید دست به دامن استان‌های دیگر شوند؟

و بترینی از طلا، پایه‌هایی از کاه

بیا بید با خودمان صادق باشیم. در هفته‌های گذشته، اخبار نقل و انتقال، سقف بودجه و خریدهای چند صد میلیاردی سرخابی‌ها گوش فلک را کر کرده است. پول‌هایی که در این فوتبال به‌اصطلاح حرفه‌ای جابه‌جامی‌شود، هوش از سر هر شنونده‌ای می‌برد. تیم‌ها برای خرید یک بازیکن، کل بودجه یک سال یک شهر کوچک را هزینه می‌کنند. مدیران جلوی دوربین‌ها سینه سپر می‌کنند و از برنامه‌های کهکشانی خود برای فتح آسیا سخن می‌گویند. اما وقتی نوبت به ابتدایی‌ترین نیاز یک مسابقه فوتبال یعنی زمین بازی می‌رسد، ناگهان حباب این توهم می‌ترکد. اینجا ایران است؛ جایی که باشگاه‌هایش صدها میلیارد تومان برای جذب بازیکنان و مربیان هزینه می‌کنند، اما برای برگزاری مهم‌ترین بازی فصل خود، باید نقشه ایران را پهن کنند و به دنبال یک زمین چمن اجاره‌ای بگردند. این نماد بارز یک توسعه کاریکاتوری است. استقلال که بر اساس قرعه‌کشی، در هفته پنجم میزبان دربی شماره ۱۰ است، به جای آنکه با افتخار درهای ورزشگاه خانگی‌اش را به روی هواداران باز کند، مجبور شده روز ورزشگاه در سه استان مختلف را به سازمان لیگ پیشنهاد دهد؛ پارس شیراز، امام خمینی

اتفاق، روز

داستان انتقال جنجالی فران تورس از بارسلونا به پاری سن ژرمن

هیولا در پاریس

آر یا طاری

پنجره نقل و انتقال تابستانی همواره صحنه نمایش درام‌های بزرگ، محاسبات دقیق مالی و جابه‌جایی‌های غیرمنتظره بوده است، اما انتقال اخیر فران تورس از بارسلونا به پاری سن ژرمن بدون شک یکی از پیچیده‌ترین و در عین حال جذاب‌ترین داستان‌های فوتبالی این فصل را رقم زد. مهاجمی که همین چندی پیش در قله فوتبال جهان ایستاد و جام قهرمانی جام جهانی را بالای سر برد، حالا با امضای قرار دادی پنج‌ساله به ارزش ۵۰ میلیون یورو، رسماً پیراهن شماره ۹ قهرمان اروپا را بر تن کرده است. این انتقال نه‌تنها خط حمله جذاب لوئیس انریکه را در پاریس دستخوش تغییر و تقویت می‌کند، بلکه به عنوان یک کلید جادویی، قفل بزرگ‌ترین بن‌بست‌های مالی بارسلونا را باز کرده و شاه‌راهی تازه برای نقل و انتقالات بزرگ بعدی در نیوکمپ گشوده است.

قرقه یک ارباب

داستان جابه‌جایی فران تورس به پارک دوپرنس از یک تماس تلفنی ساده با پیشنهاد ناگهانی آغاز نشد. همه‌چیز به روزهای پرتنش و حماسی جام جهانی بازمی‌گردد؛ جایی که تیم ملی اسپانیا توانست دومین عنوان قهرمانی تاریخ خود را به دست آورد و فران تورس به یکی از کلیدی‌ترین قهرمانان این مسیر تبدیل شد. در همان روزها و در میان هیاهوی رقابت‌ها، نخستین حرفه‌های همکاری میان سرمربی آستوریایی و مهاجم جوان زده شد. انریکه که به خوبی از توانایی‌ها، خصوصیات اخلاقی و انعطاف‌پذیری تاکتیکی فران آگاهی داشت، او را به عنوان هدف اصلی خود برای بازسازی خط هجومی پاریس در نظر گرفت. پاری سن ژرمن پس از فروش ۷۰ میلیون یورویی گونچالو راموس به میلان، به دنبال مهاجمی می‌گشت که علاوه بر قدرت گلزنی، توانایی بازی در چند پست مختلف را داشته باشد. ویژگی چندپسته بودن تورس، یعنی قابلیت بازی در بال راست، بال چپ و حتی مهاجم نوک، کاملاً با الگوی بازیکنان مد نظر انریکه مطابقت داشت. از سوی دیگر، تنها یک سال از قرارداد فران تورس با بارسلونا باقی مانده بود؛ وضعیتي که یک فرصت طلایی و کم‌نظیر را در بازار نقل و انتقالات پیش روی مدیران قطری پاریس قرار داد. تورس پس از گفت‌وگوهای سازنده با هانسی فلیک و دستیابی به این توافق که دیگر نیازی به فروش در تمرینات پیش‌فصل بارسلونا نیست، راهی پایتخت فرانسه شد تا انتقالاتش را نهایی کند. این معامله که توافقات اولیه آن هفته گذشته حاصل شده بود، فران تورس ۲۶ ساله و متولد فونیوس را پس از لوکاس دینیه و آکیلوش به سومین خرید تابستانی قهرمان دو دوره اخیر اروپا تبدیل کرد.



ترکیب ۱۱ نفره لوئیس انریکه از میان یک رقابت بی‌رحمانه و نفس‌گیر می‌گردد. پاری سن ژرمن هم‌اکنون خط حمله‌ای آکنده از ستاره‌های تراز اول جهان را در اختیار دارد؛ نام‌هایی همچون خویکا گوارا، اسکلیا، عثمان دمبله، بدلی بارکولا و ستاره جوان دزیره دونه.

حضور چنین مهاجمان باکیفیتی کار را برای هر بازیکنی سخت می‌کند، اما موقعیت فران تورس متفاوت است. او با اعتبار یک قهرمان جهان و بازیکنی که در بزرگ‌های حساس توانایی گرگ‌شایی دارد و در فینال جام جهانی گل قهرمانی را زده، وارد پارک دوپرنس می‌شود. جایگاهی که او پس از قهرمانی با اسپانیا به دست آورده، اما تا کیّد کرده که تصمیم نهایی با مدیران می‌دهد که می‌تواند پیراهن شماره ۹ پاریس را به یکی از نمادهای موفقیت این باشگاه در فصل جدید تبدیل کند. سرمربی اسپانیایی پاریس نیز به خوبی می‌داند در طول یک فصل طولانی و پرفشار، داشتن بازیکنی با هوش تاکتیکی و توانایی گلزنی تورس، تا چه حد برای حفظ عنوان قهرمانی اروپا حیاتی خواهد بود.

شاهکار حسابداری

در حالی که هواداران پاریس مشغول جشن گرفتن برای ورود مهاجم جدید خود بودند، در دفاتر مدیریتی نیوکمپ نیز لیخند رضایت بر لب‌های خوان لاپورتا و مدیران مالی باشگاه نقش بست. فروش فران تورس به پاری سن ژرمن شاید در نگاه اول خروج یک مهره ارزشمند به نظر برسد، اما بررسی دقیق ابعاد اقتصادی این معامله، آن را به یک شاهکار مالی تمام‌عیار برای کاتالان‌ها تبدیل می‌کند. بارسلونا این معامله را با مبلغی نزدیک به ۵۰ میلیون یورو نهایی کرد. با توجه به اینکه تنها ۱۱ میلیون یورو از هزینه خرید اولیه این بازیکن در استهلاک مالیی ففاتر باشگاه باقی مانده بود، خروج او سودی خالص و حسابداری حدود ۳۵ میلیون یورو را به همراه داشت. این سود غیرمترقبه مستقیماً وارد صورت‌های مالی فصل جدید بارسلونا می‌شود



وقتی می‌شنویم دربی قرار است در اراک یا اصفهان برگزار شود، یا بدتر از آن، در شهر قدس و بدون تماشاگر، احساس سرخوردگی تمام و جودمان را می‌گیرد. فوتبال بدون تماشاگر، فوتبال بدون خانه، شبیه به تئاتری است که در یک بیابان خالی اجرا می‌شود؛ بی‌روح، بی‌معنی و غم‌انگیز. زمان دقیق دربی هنوز روی هواست. یازدهم یا دوازدهم شهریور؟ در اصفهان یا اراک؟ هیچ کس نمی‌داند. سازمان لیگ منتظر قرعه‌کشی مسابقات آسیایی است تا شاید بتواند تقویم آشفته‌اش را تنظیم کند. اما یک چیز کاملاً روشن است؛ فوتبال ایران در زمینه زیرساخت‌ها، در پایین‌ترین نقطه تاریخی خود قرار دارد. دربی شماره ۱۰۰، هر کجا که برگزار شود، در تاریخ ثبت خواهد شد؛ نه به خاطر کیفیت فنی بازیکنان میلیاردری‌اش، بلکه به عنوان نماد سرگردانی، بی‌کفایتی مدیریتی و آوارگی بزرگ‌ترین بازی‌خاور میانه. تا زمانی که برای این زخم چرکین درمانی ریشه‌ای پیدا نشود، فوتبال ماهر چقدر هم که پول‌باشی کند و ستاره بخرد، باز هم در زمین خاکی بی‌برنامگی، دست‌پا خواهد زد. اکی‌اش مدیران ما، بیش از امضای قرار دادهای آن‌چنانی، به فکر زمینی بودند که قرار است این ستاره‌ها روی آن قدم بگذارند.

مقصران این تراژدی کیستند؟
این خجالت‌آور نیست؟ این یک‌تنگ‌بزرگ‌بری ساختار ورزش و فوتبال مانیتست؟ مسئولاتی که در اتاق‌های درسته‌می‌نشینند و برای فوتبال تصمیم می‌گیرند، چرا به خودشان نمی‌آیند؟ سال‌هاست که بودجه‌های کلان ناپدید می‌شوند اما ازادی، مهم‌ترین سرمایه‌ملی مادر ورزش، روز به روز پیرتر و فرسوده‌تر شده و بازسازی‌اش بیشتر از ساخت یک ورزشگاه زمان برده است. باشگاه‌هایی که می‌توانند با دستمزدهای نجومی بازیکنان خارجی بخزند، چرا در طول دهه‌های گذشته حتی یک آجر برای ساختن یک استادیوم اختصاصی ۳۰ هزار نفری روی هم نگذاشته‌اند؟ از نقش قدراسیون هم نباید گذشت؛ نهادهی که نتوانسته حداقل‌های زیرساختی را برای تیم‌های پایتخت‌نشین تضمین کند و حالا در مواجهه با این بحران، تنها به عنوان یک تماشاگر منفعل عمل می‌کند.

مرثیه‌ای برای هواداران

در نهایت، بازنده اصلی این بازی مدیریتی، هواداران هستند. همان‌هایی که در سرما و گرما، با حقوق‌های کارگری و دانشجویی، پول بلیت و اینترنت می‌دهند تا دلخوشی‌شان را دنبال کنند.

و وضعیت تراز مالی باشگاه را به شدت بهبود می‌بخشد. اما داستان به همین جا ختم نمی‌شود. هوشمندی بارسلونا در جزئیات این معامله نهفته است. بر اساس بدهی‌های موجود در قرارداد قبلی فران، در صورت تمدید قرار داد او، بارسلونا ملزم به پرداخت هشت میلیون یورو به منچستر سیتی می‌شد. با فروش این بازیکن، بارسا رسماً از پرداخت این مبلغ معاف شد. علاوه بر این، چنانچه رقم فروش تورس از مرز ۵۵ میلیون یورو عبور می‌کرد، باشگاه کاتالانی مجبور بود در صدی از این مبلغ رقم ۵۵ میلیون یورو باعث شد تمامی در آمد حاصل از این جابه‌جایی در اختیار بارسلونا باقی بماند. خروج تورس همچنین دستمزدهای سنگین او را آزاد کرد. این اتفاق در ادامه روند اصلاحات مالی بارسا رخ داد که پیش‌تر با خروج بازیکنانی چون روبرت لواندوفسکی، مارکوس رشفورد، آسنسو فاتی، رونالد آراووخو، کاش دسئمزدر کریستینسن و انتقال‌های تر ششتن (۱۰۰ درصد دستمزده و کنسولو آغاز شده بود. این آزادسازی سقف دستمزد، فضای نفس‌کشیدن فوق‌العاده‌ای را در قواعد بازی جوانمردانه مالی (FFP) برای کاتالان‌ها ایجاد کرد.

دومینوی نقل و انتقالات

مهم‌ترین و جنجالی‌ترین پیامد فروش فران تورس به پاری سن ژرمن، ژائیری است که این معامله بر پرونده انتقال رودری، ستاره منچستر سیتی، به بارسلونا گذاشته است. مذاکرات بارسا با منچستر سیتی در روزهای اخیر با فراز و نشیب‌های فراوانی همراه بود. پیشنهاد اول بارسا یعنی ۴۵ میلیون یورو به همراه پنج میلیون متغییر و همچنین پیشنهاد دوم آنها به ارزش ۵۵ میلیون یورو به همراه ۱۰ میلیون یورو بدهی متغیر، هر دو با پاسخ منفی و قاطعانه سیتیزن‌ها روبه‌رو شده بود. سیتی برای فروش هافبک کلیدی خود مبلغی کمتر از ۶۰ میلیون یورو نقد و ۱۰ میلیون یورو متغیر (مجموعاً ۷۰ میلیون یورو) را نمی‌پذیرفت. تا پیش از فروش تورس، فاصله‌ای پنج میلیون یورویی و همچنین محدودیت‌های شدید فریلی مالی مانع از نهایی شدن این معامله می‌شد. اما تزریق ۵۰ میلیون یورو از سوی پاریس و آزادسازی فضای دستمزد، به بارسلونا این اعتماد به نفس را داد که با قدرت کامل وارد مرحله پایانی مذاکرات شود. در سسوی دیگر، رودری که روزهای پر از بلاتکلیفی را می‌گذراند، پس از تسیری کردن روزهای اخیر از مادرید و امیدواری برای معاف شدن از تمرینات، در نهایت مجبور شد سواری بر پرواز رایان ایر از فرودگاه باراخاس به مقصد لیورپول شود تا خود را به تمرینات منچستر سیتی برساند. انزو و مارکا، سرمربی سیتی، صراحتاً اعلام کرد که انتقال هنوز نهایی نشده است، اما حضور رودری در انگلیس تنها یک توقف کوتاه به نظر می‌رسد. از طرفی منچستر سیتی خود در گیر مذاکرات فشرده برای جذب انزو فرانز از چلسی است و مهلت تعیین شده تا روز جمعه توسط چلسی، سیتی را نیز تحت فشار زمان قرار داده است. اکنون همه قطعاً این پازل بزرگ در حال چیده شدن در جای خود هستند. جابه‌جایی فران تورس به پاریس نه‌تنها یک ستاره جدید به قهرمان اروپا هدیه داد، بلکه دومینوی را فعال کرد که به احتمال فراوان طسی روزهای آینده با انتقال جنجالی رودری به بارسلونا، توازن قدرت را در فوتبال اروپا دوباره تغییر خواهد داد.